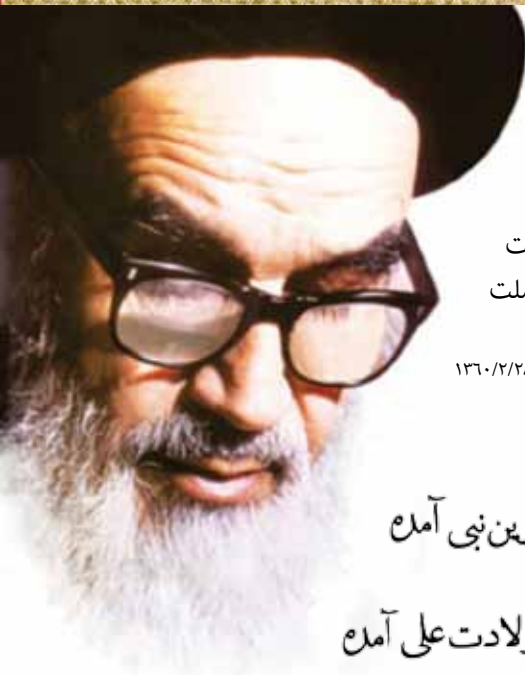




امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام:

ای مؤمن! همانا این دانش و ادب، بهای نفس توست. پس در آموختن آن بکوش که هر آنچه بر دانش و ادب بیفزاید، بر بهای تو می‌افزاید که با دانش به سوی پروردگارت ره می‌بری.

محمد محمدی ری شهری، دانش‌نامه عقاید اسلامی، ج ۲، ص ۲۷۲



روح‌الله الموسوی الخمینی ۱۳۶۰/۲/۲۸

این روز، روزی است که علی بن ابیطالب علیه‌السلام که باب وحی و امانتدار وحی بود، متولد شد و این روزی است که قرآن کریم و سنت رسول اکرم به ولادت این مولود بزرگ، مفسر پیدا کرد و پشتوانه وحی و پشتوانه اسلام به وجود این مبارک مولود، قوی شد. که اتمام بعثت به وجود این مولود بزرگ شد و باید بگوییم فتح باب وحی و تفسیر وحی و ادامه وحی، به وجود مقدس این سرور [متحقق] شد. من این روز را که هم روز بعثت است و هم روز ولایت است و هم روز نبوت است و هم روز امامت، به همه آقایان و همه ملت تبریک عرض می‌کنم.

ماه رجب ماه هفتی آمد، بعثت شیرین نبی آمد  
شادشوای شیعه دوباره که چون، ماه ولادت علی آمد



و ان حضرت از گروه حواء پایین آمد، انوار جلال او را فرا گرفته بود مکه هیچکس را پلایه آن نبود مکه به آن حضرت نظر مگرد و بر هر درخت و گیاه و سنگ مکه می‌گذاشت آن حضرت را سجده می‌کردند و به زبان فصیح می‌گفتند:  
سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
مجموعه الامام، ج ۱، ص ۱۲

وَعَلَىٰ آلِهِ  
وَعَلَىٰ رَجُلَيْهِ  
وَعَلَىٰ مَن بَعَثَ اللَّهُ  
مَعَهُ







## پرسش های قرآن

### پاسخ های شهید مرتضیٰ مطهری



پرسش:

رمز عقب افتادن و بدبختی جامعه ها از نظر قرآن کریم چیست؟

(قرآن) درباره نیکبختی و بدبختی جامعه ها می گوید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (سوره رعد، آیه ۱۱)

خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی کند تا که خودشان تغییری در خود ایجاد کنند. این آیه کریمه، رمز جلو افتادن و عقب افتادن ملت ها را بیان می کند. هیچ مردمی از بدبختی به خوشبختی نمی رسند،

مگر اینکه عوامل بدبختی را از خود دور سازند، و بالعکس، یک ملت خوشبخت را خدا بدبخت نمی کند، مگر آنکه خودشان موجبات بدبختی را برای خویش فراهم آورند.

ما ناله داریم که چرا خدا یک مشت یهودی ژاندارم آمریکا را بر هفتصد میلیون مسلمان به صورت های مختلف نظامی، سیاسی، فکری و اقتصادی مسلط می کند؟ چرا صد میلیون عرب در جنگ پنجم ژوئن شکست خوردند؟ چرا خدا مسلمانان را عزت نمی دهد؟ چرا قوانین طبیعت را به نفع مسلمین نمی چرخاند؟ عصبانی می شویم، شب از غصه بی خواب می مانیم، رنج می بریم، ناله می کنیم، دعا و استغاثه می کنیم، ولی مستجاب نمی شود. پاسخی که قرآن به ما می دهد، یک جمله است.

خدا قانون خود را عوض نمی کند. ما باید خودمان را عوض کنیم. ما غرق در جهالتیم، در فساد اخلاق غوطه وریم، هیچ گونه وحدت و اتفاق نداریم و در عین حال توقع داریم که خدا ناصر ما و یاور ما باشد!

ما برای یک حادثه کوچک، هزار قسم شایعه می سازیم، دروغ گویی و نادرستی را شیوه خود قرار داده ایم و از هر فضیلتی تبری جست، استعفا کرده ایم و در عین حال می خواهیم بر دنیا هم آقایی و سیادت داشته باشیم! این نشدنی است.

در کتاب های آسمانی گذشته، برای ملت یهود - که در میان شان به خاطر پلیدی و ناپاکی بیش از هر ملت دیگر، پیغمبر برانگیخته شده است، زیرا بیشتر احتیاج به مربی داشته اند - آری برای این ملت، دو جریان اجتماعی، دو انقلاب و تحول پیشگویی شده بود، که هر دو وقوع پیدا کرد و قرآن جریان این پیشگویی ها و سپس تحقق یافتن این ها را در تاریخ یهود یاد می کند. در این پیشگویی آمده است که ایشان دو نوبت در زمین فساد می کنند و خدا آنان را سرکوبی می دهد. قرآن سپس یک فرمول کلی را یادآوری می کند. آن فرمول این است که هر فسادی، مقدمه شکست و بدبختی است و هر تجدیدنظر اصلاحی، رحمت خدا را تجدید می کند.

[رجوع شود به سوره اسراء، آیات ۴ تا ۸]

در حقیقت این آیات، بسط و گسترش همان فرمول کلی است که:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

- ۱ رجب: ولادت امام باقر علیه السلام (سال ۵۷ هجری قمری)
- ۲ رجب: میلاد مسعود امام هادی علیه السلام (سال ۲۱۲ هجری قمری) (به قولی)، درگذشت ابوریحان بیرونی (سال ۴۴۰ هجری قمری)
- ۳ رجب: شهادت امام علی النقی علیه السلام (سال ۲۵۴ هجری قمری)
- ۷ رجب: شهادت امام کاظم (ع) (به قولی) (سال ۱۸۳ هجری قمری)
- ۸ رجب: صدور حکم ارتداد سلمان رشدی توسط امام خمینی (۲۵ بهمن ۱۳۶۷ ش) (سال ۱۴۰۹ هجری قمری)
- ۱۰ رجب: ولادت حضرت علی اصغر علیه السلام (سال ۶۰ هجری قمری)، میلاد امام جواد علیه السلام (سال ۱۹۵ هجری قمری)
- ۱۳ رجب - ۱۸ اسفند: ولادت امیرالمؤمنین علی (ع) (۲۳ سال قبل از هجرت) (سال ۳۰ عام الفیل)، آغاز ایام البیض و ایام اعتکاف
- ۱۵ رجب: تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه (سال ۲ هجری قمری)، درگذشت حضرت زینب (س) (سال ۶۲ هجری قمری)، شهادت امام صادق (ع) (به قولی) (سال ۱۴۸ هجری قمری)
- ۲۹ اسفند: روز ملی شدن صنعت نفت
- ۲۵ رجب: شهادت امام کاظم (ع) (سال ۱۸۳ هجری قمری)، تأسیس حوزه علمیه قم توسط عبدالکریم حائری (۳ فروردین ۱۳۰۱ ش) (سال ۱۳۴۰ هجری قمری)
- ۲۷ رجب: بعثت پیامبر (ص) (۱۳ سال قبل از هجرت)
- ۲۸ رجب: خروج امام حسین (ع) از مدینه به سوی مکه (سال ۶۰ هجری قمری)
- ۲۹ رجب: درگذشت خدیجه همسر پیامبر (ص) (۳ سال قبل از هجرت)



## ۲۰ ویژگی زندگی امیرالمؤمنین؛ امیر همیشه مؤمنان

همان‌جا افتاد. درحالی‌که متوحش بودم و فکر می‌کردم که علی از دنیا رفته است. رفتم و به فاطمه زهرا علیهاالسلام خبر دادم، اما فاطمه زهرا علیهاالسلام به قدر من دست پاچه نشد، چون این مطلب را از علی علیه‌السلام بارها تجربه کرده بود. (بیانات در دیدار با

خانواده‌های شهدای هفتم تیر ۱۳۶۲/۴/۱۲)

### ۵- حاکمیت اخلاص در کارها

آن نکته‌ای که من امروز می‌خواهم بر روی آن قدری تکیه بکنم، اخلاص امیرالمؤمنین است. ما باید این را جوهر و روح کارهای خودمان قرار بدهیم؛ کم‌این‌که شاید در زندگی علی بن ابی طالب هم، اخلاص جوهر و روح کار آن حضرت بود؛ یعنی کار را فقط برای رضای خدا و برطبق تکلیف الهی و اسلامی و بدون هیچ انگیزه شخصی و نفسانی و امثال این‌ها انجام می‌داد. به گمان اینجانب، در باب شخصیت امیرالمؤمنین، اصل قضیه این است. (بیانات در خطبه‌های

فازجمعه ۱۳۷۰/۱/۱۶)

۶- ایثار و گذشتن از خودخواهی‌ها

۷- بی‌اعتنائی نسبت به مظاهر دنیا

۸- ترحم و عطف در زندگی

۹- صبر و بصیرت در کارها

۱۰- انتخاب سخت‌ترین کارها

۱۱- حضور در خطوط مقدم در تمام زمینه‌ها

در جنگ‌هایی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در دوران ۱۰ ساله مدینه با گروه‌های مختلف داشت، همه‌جا امیرالمؤمنین علیه‌السلام در صفوف مقدم بود. دیدگاه این فکر برای علی علیه‌السلام پیدا نشد که من بمانم تا برای آینده اسلام مفید باشم، همیشه در خطوط مقدم خطر جان خودش را در کف دست گرفت و در آمادگی کامل برای نثار جان خود تردیدی به خود راه نداد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

تهران ۱۳۸۷/۱۰/۱۰)

۱۲- اقامه حق و دوری از قدرت طلبی

۱۳- جهاد مخلصانه

۱۴- خودنمایی شجاعانه در مقابل دشمنان

۱۵- خدمتگزاری برای مردم

۱۶- صریح و صادق با مردم

۱۷- طرفداری از مردم به معنای واقعی

۱۸- مراقبت از اموال عمومی

۱۹- نهراسیدن از دشمن در راه حق

۲۰- تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی

مشروح این نکات را در لینک ذیل می‌توانید مشاهده کنید:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۱۶۴۹>

صفتی از سلوک شخصی و اجتماعی-حکومتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را که می‌توان به آن‌ها اقتدا نمود، بر اساس بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مرور می‌کنیم.

### ۱- شجاعت و ایستادگی در دین با وجود آماج بلا

این را درست در ذهن‌تان تصوّر کنید؛ در و همسایه اهانت می‌کنند، بزرگان جامعه اهانت و سختگیری می‌کنند، شاعر مسخره می‌کند، خطیب مسخره می‌کند، پولدار مسخره می‌کند، آدم پست و رذل اهانت می‌کند، ولی انسانی نوجوان در میان امواج سهمگین مخالف، محکم و استوار مثل کوه می‌ایستد و می‌گوید: «من خدا و این راه را شناختم» و بر آن پافشاری می‌کند. شجاعت این است. در تمام مراحل زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، این شجاعت نمایان

بود. (بیانات در خطبه‌های نمازجمعه ۱۳۷۴/۱۱/۲۰)

### ۲- تلاش برای پیشرفت اسلام

همه وجودش وقف اسلام است. وقف است برای آنچه پیغمبر می‌خواهد و خدا را خشنود می‌کند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام هیچ مایه‌ای برای شخص خود نگذاشت. در آن ۱۰ سال ۱۰-سال حیات پیغمبر- امیرالمؤمنین علیه‌السلام هر کاری که کرد، برای پیشرفت اسلام بود. اینکه می‌بینید می‌گفتند فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین و فرزندان‌شان گرسنه ماندند، علتش همین است. و الا این جوان اگر به فکر کاسبی بود، می‌توانست بهتر از هر کاسبی، به کسب بپردازد. (بیانات در دیدار جمعی از مداحان ۱۳۷۳/۹/۳)

### ۳- مراقبت از افعال، گفتار و ذهنیات

وجود مقدّس مولی‌الموحّدین و امیرالمؤمنین و امام المتّقین، علی بن ابی طالب علیه‌السلام در گفتار و کردار خود، تقوا را مجسّم فرمود. حقیقتاً او امام متّقین و مجسّم تقوا و پرهیزکاری است. من به شما برادران و خواهران نماز گزار و به همه ملت، توصیه می‌کنم که دنباله‌روی و تبعیت از آن بزرگوار را، بیش از همه چیز در زمینه تقوا و پرهیز از گناه و مراقبت از افعال و گفتار و حتی ذهنیات و آنچه در دل خطور می‌کند، پیشه کنید و تقوا را رعایت نمایید. (بیانات

در خطبه‌های نمازجمعه ۱۳۷۱/۱/۷)

### ۴- عبادت عاشقانه

ابودرداء نقل می‌کند: در زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در نیمه‌های شبی دیدم در یکی از نخلستان‌های مدینه صدای مناجات و تضرع و ناله می‌آید. نزدیک رفتم، دیدم علی بن ابی طالب علیه‌السلام است که به مناجات و دعا مشغول است و به شدت می‌گرید، بعد هم از کثرت گریه و مناجات و دعا غش کرد و در

## آموزش علوم دينى

امام حسن عسكرى عليه السلام به نقل از پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله مى فرمايد:  
هر كس از پيروان ما به علوم ما دانا باشد و جاهلى را هدايت و ارشاد كند و شريعت ما را به او بياموزد، در بهشت  
همراه ما خواهد بود.

مفاتيح الحيات، آيت الله جوادى آملى، ص ۷۸

## تربيت در محيط خانوادگى

قسمت هفتم

آيت الله مجتبهى تهرانى

« إِنَّ بَدْوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ »  
نياز ذوى العقول من الحاجه الى الادب كما يظمأ الزرع الى المطر.  
مثال مى زند كه اين كسانى كه عقل آن ها كار مى كند و هنوز از كار  
نيافته، احتياج آن ها به ادب مثل احتياج و تشنگى بذر به باران  
است كه اگر باران نبارد اين رشد نمى كند، كه من تعبير كردم كه  
تربيت نسبت به بذر الهى و نشائى كه خدا در درون انسان نشاء  
كرده است، نقش آبيارى دارد. اين مثل آن مى ماند. هر طفلى در  
هر خانواده اى به دنيا مى آيد اين بذر الهى در او هست؛ چه در  
بعد نظرى او، چه در بعد عملى او. هم تشخيص حق از باطل و  
هم تشخيص افعال خوب از بد را. خدا گذاشته است، جزء فطريات  
اوست و نقش تربيت اين است كه پدر و مادر بايد همان روش  
تربيت الهى را پياده كنند و از طريق سمع و بصر اين فرزند را  
تربيت كنند.

### تأثيرگذاري تربيت در سه رابطه ديدارى-گفتارى-كردارى

اشاره شد كه طريق و راه تربيت عبارت است از دو راه سمعى و بصرى،  
كه اين روش، روشى الهى است.

### معناى تربيت

از اين جلسه به بعد به طور مستقل وارد اصل بحث تربيت مى شويم  
كه اولاً تربيت يعنى چه؟ اگر بخواهيم تربيت را در يك مرتبه نازل و در  
بعد اخلاقى تعريف كنيم -زيرا در بعد معرفتى هم بحث شده است-  
معناى تربيت در ادب عبارت اين است؛ روش رفتارى و گفتارى دادن  
به غير، به طورى كه اين روش، ملكه او بشود. اين را تربيت مى گویند.  
كسى را تربيت كردن؛ يعنى اينكه روش رفتارى و گفتارى به او ياد داده  
شود. تربيت در بعد اخلاقى اين است و اگر اين ملكه او شد، به اين  
معنا كه هر وقت كارى انجام مى دهد، بر اساس روش رفتارى و گفتارى  
باشد كه مرتبى به او آموزش داده، ملكه او شده است و مى گویند:  
مرتبى او را تربيت کرده است.

### انسان بر اثر كارهاي زشت مسخ مى شود

گفتم روايات زياد داريم كه رابطه بين عقل و ادب و تربيت را مطرح  
مى كند. مى گويد اين بدون او بي فايده است، او بدون اين بي فايده  
است، يا او به اين محتاج است و اين به آن. توجه كنيد كه صرف آن  
استعدادى كه در نهاد انسان است براى اينكه شخص را انسان كند  
و الهى كند، كافى نيست. صرف اينكه آيات را ببيند و بشنود، ولى  
آن طرف خراب شده باشد، كارساز نيست. گاهى انسان بر اثر افعال  
قبيحه مسخ مى شود و هرچه به او بگويى يا به او نشان بدهى به تو  
مى خندد. هر دو بايد باشد، هم عقل هم ادب.  
اما آنچه را كه الهى است و موهبتى است، خدا به همه ابناء بشر  
داده است؛ استثناء هم قائل نشده، چون بحث خلقت است. به آيه  
نگاه كنيد، در بحث خلقت مى گويد من وجود اين موجود را به  
فطرت آميخته ام و به او ارائه طريقت كردم؛ چه ارائه طريقت به حق -  
نظري-، چه ارائه طريقت به خويها -عملي- «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» اين  
كار را در نهاد او من كردم. اين بذر را من پاشيدم. اين نهال را من  
كاشتم. بحث اين طرف است و آن مسئله تربيت است. در تربيت،  
بايد آن طريق درونى به كار گرفته بشود تا بارور شود. اين روش  
تربيت، روش تربيت الهى است و اين سنخ كار كردن و اين ابزار را  
به كار گرفتن همان روشى است كه خداوند براى ابناء بشر به كار  
گرفته است.

### انسان راه را خودش انتخاب مى كند

اما بدان كه اختيار هم در کنار آن داده است «إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا»  
يا سپاسگزار مى شود و يا كافر.  
انسان در انتخاب راه مجبور نيست. هرطور كه خودش انتخاب كرد.  
بذر را من پاشيدم، ارائه طريقت هم چه از نظر  
سمعى و از نظر بصرى كردم، حالا انتخاب با توست. ببينم تو با ادب  
مى شوى يا بى ادب؟! انتخاب اين با تو است.  
در گذشته روايتى را مطرح كردم كه:



### نتیجه تربیت

دو گونه تربیت داریم؛ هم تربیت حسن داریم و هم تربیت بد داریم. می‌گویند: مرئی او خوب یا بد بود که این‌طور تربیت شد. مردم وقتی یک کار خوب را از بچه می‌بینند، می‌گویند: این‌ها ثمرات تربیت است. مثلاً فرض کنید اگر فرد، عملی یا حرفی، رفتار و گفتاری انجام بدهد که بر هیئت حسنه است و عقلاً و شرعاً پسندیده و سزاوار است، مردم می‌گویند: این ثمره تربیت است؛ یعنی این کار از آن ملکه‌ای که برای او حاصل شده است، تراوش می‌کند. یعنی کارهایی که می‌کند، کارهایی است که هم عقل و هم شرع می‌پسندد. این ثمره تربیت است که از او دیده می‌شود. بعد هم می‌گویند: آدم مؤدبی است. اگر هم کارهایش از جنبه شرعی خوب بود، می‌گویند: مؤدب به آداب شرعی است.

بحث بپردازیم؛ فقط تذکر دادیم که آن مباحث جای خودش را دارد و اصطلاحات خودش را هم دارد. ما فعلاً بحث‌مان راجع به تربیت، در یک سطح پایین‌تر، در بُعد اخلاقی به معنای روش رفتاری دادن به غیر و روش گفتاری دادن به دیگری است.

### روش یاد دادن روش

خود این روش رفتاری و روش گفتاری به غیر دادن، یک روش می‌خواهد. من چگونه به بچه بگویم آنگونه که عقل می‌پسندد و آن‌طور که شرع می‌پسندد، حرف بزن و عمل کن؟ همین گفتن و یاد دادن چه روشی دارد؟ چگونه به او بیاموزم؟ این همان مطلبی است که جلسه گذشته اشاره کردم. این باید به روش الهی باشد که البته روش الهی، عقلانی هم هست. خدا از دو راه سمعی و بصری، ابناء بشر را تربیت کرده است. این روش تربیت الهی است.

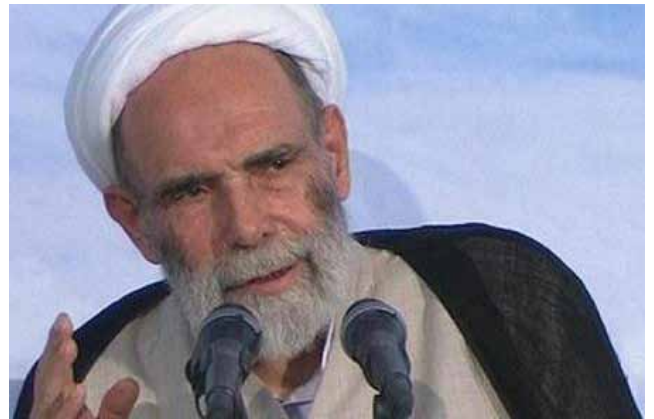
### زبان حال گویاتر از زبان قال است

اگر برای تربیت هر دو راه بصری و سمعی ممکن باشد، این بحث مطرح است که کدام مؤثرتر است؟ گفتیم که روش رفتاری و گفتاری برای آموختن به غیر، باید با هم باشد؛ اما اینجا بحث در تأثیرگذاری بیشتر است. کدام یکی، اثرش قوی‌تر است؟ حالا جواب را در یک قالب تقریباً همگانی می‌ریزم.

یک زبان حال داریم و یک زبان قال داریم. زبان حال، گویاتر است یا زبان قال؟ زبان حال برودش قوی‌تر از زبان قال است. البته این بحث که اشاره می‌کنم، تمام این‌ها متن معارف ماست و از روایات گرفته شده است. زبان حال در رابطه کارهای دیداری و شنیداری و رفتاری مطرح است.

عبدالله بن عباس نقل می‌کند، می‌گوید: «قیل: یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أیُّ الجلساء خیر؟ قال: مَنْ تَدَكَّرَکُمْ اللهُ رُویتَهُ وَ یَرِیدُ فی عِلْمِکُمْ مَنْطِقَهُ وَ یُرَغِّبُکُمْ فی الآخِرَةِ عَمَلُهُ» به پیغمبر اکرم گفته شد: بین همنشین‌ها، کدام یک از آن‌ها خوب است؟ حضرت فرمود: آنکه دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد، کلامش فهم شما را بارور کند و کردارش رغبت شما را به آخرت بیفزاید.

ادامه دارد...



### تربیت از دیدگاه اهل معرفت

اهل معرفت تعریف خاصی از تربیت دارند و بحث‌هایی دارند. آن‌ها مسئله تربیت و ادب را در سه رابطه مطرح می‌کنند. می‌گویند: تربیت در ربط با قلب و عقل و نفس آدمی است. آدم باید هم قلب خودش را تربیت کند، هم عقلش را و هم نفسش را. چگونه قلب تربیت و ادب می‌شود؟ یا اینکه چگونه عقل ادب می‌شود؟ و... آنها در یک مرحله بالاتری وارد می‌شوند که نمی‌خواهم به آن



## اقسام ظلم و ستم

زندگی به سبک مولا

آگاه باشید که ظلم بر سه قسم است؛ ظلمی که نابخشودنی است و ظلمی که بدون مجازات نمی‌ماند و ظلمی که بخشودنی و جبران‌شدنی است، اما ظلمی که نابخشودنی است، شرک به خدای سبحان است که فرمود: «خداوند هیچ‌گاه از شرک به خود، درمی‌گذرد.» و اما ظلمی که بخشودنی است، ستمی است که بنده با گناهان بر خویشتن روا داشته است، و ظلمی که بدون مجازات نیست، ستمگری بعضی از بندگان بر بعض دیگر است که قصاص در آنجا سخت است؛ مجروح کردن با کارد، یا تازیانه‌زدن نیست؛ بلکه این‌ها در برابرش کوچک است! پس مبدا در دین دورویی و ورزید که همبستگی و وحدت در راه حق - گرچه کراهت داشته باشید- از پراکندگی در راه باطل «گرچه مورد علاقه شما باشد» بهتر است، زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را با تفرقه عطا نفرموده است.

## قدم قدم تا آسمان

لیلا زهدی

مجاهدانکمر به همت، بسته و بیدار شدن وجدان‌های رفته به خلسه. محبوبِ خدا! بودند نعمت بود و رفتنت برکت؛ برکتی که این سرزمین برای تلنگر به نسل یزیدیان به آن نیازمند بود. برکتی که به‌واسطه آن چشمان کور دشمن را بار دیگر بر اتحاد و اقتدار ملت ایران باز کرد. حاج‌قاسم! ظلم، مقهورت شد، آن دیوانه زنجیری آمریکاییبا همه ادعاهایش هم... و البته؛ جهانی مدیونت. مدیون ایثار و ازجان‌گذشتگی‌ات. مدیون پیکر به خون نشسته‌پرپر... سردار دل‌ها! در آیین بدرقه‌ات ما با تو وداع نکردیم؛ هر چه بود سلام و بود و درود بود؛ درود بر اخلاصت که نظیرش را کمتر می‌توان یافت. درود بر مردانگی‌اتکه طعنه می‌زند بر آنان که از مردانگی فقط به نامش دل خوش کرده‌اند. درود بر غیرتت که جهانی را آباد کرد... درود بر شهامتت و درود بر همت والایت. سردار آسمانی دعا کن مردمان این سرزمین پای پیمان‌شان با تو برای همچون تو شدن بایستند. این سرزمین برای ادامه سرافرازی‌هایش قاسم‌های سلیمانی می‌خواهد.

بودنت برکتی بود برای این سرزمین، رفتنت نیز. البته نه فقط برای این سرزمین، که فرا سوی مرزها. خلوصت کارگر افتاد سردار، شهامتت نیز. امیر دل‌های بیقرار! تو در بزم رزمت آزادی و آزادگی را از نو معنا کردی و رسم مردی و مردانگی را بار دیگر به خاطرها آوردی. نان حلال پدرت، دامن مطهر معطر به عطر ایمان مادرت و بی‌شک توشه‌ای که برگرفته بودی بر فراز آسمانت نشاند. نان حلال پدرت که تکلیفش روشن است. دامن طاهر مادرت هم. اما توشه‌ات چه بود سردار؟ مگر نه اینکه؛ رکعت‌رکعت عشق در دل سیاهی شب، بغل‌بغل عاطفه هدیه به یتیمان شهر، گلوله‌گلوله خشم بر دشمنان دین، سنگر سنگر دفاع از مظلوم، مو به مو اطاعت از ولی و سر به سر بندگی محبوب... و این‌گونه؛ از زادگاهت قنات ملک تا جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس و تا جبهه سوریه و ایستگاه آخر؛ بغداد قدم قدم تا آسمان آمدی. آبرمرد! بی‌تردید پر کشیدنت الهام بود؛ الهام برای از پای ننشستن

### گوشه‌ای از وصیت‌نامه شهید سرفراز حاج قاسم سلیمانی

خدا یا! به عفو تو امید دارم.

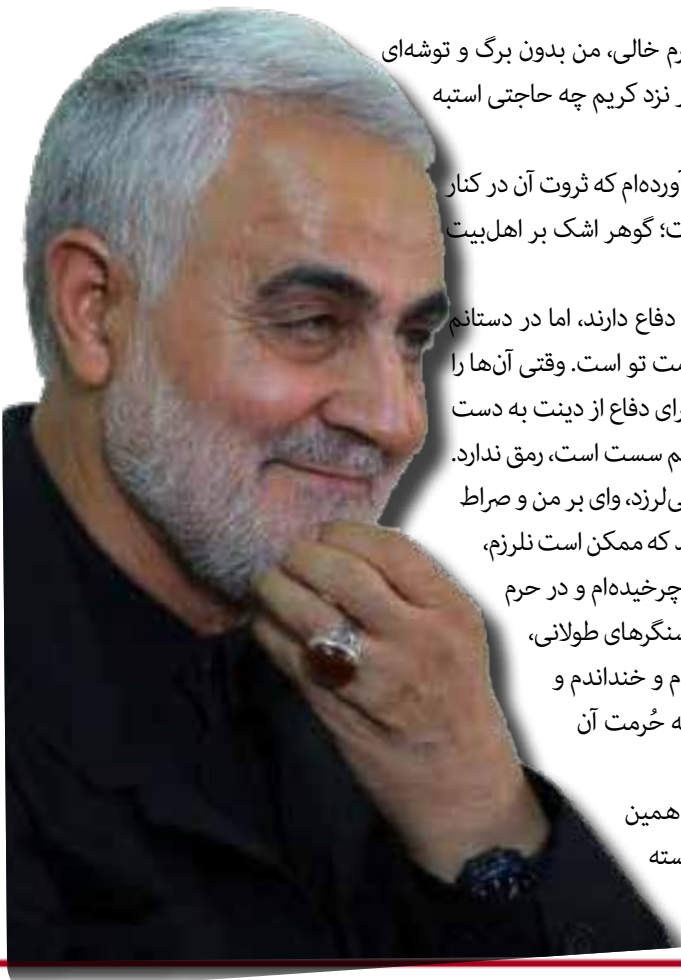
ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سرفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی استبه توشه و برگ؟!

سارق، چارقم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل‌بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم.

خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آن‌ها را به سمت بلند کردم، وقتی آن‌ها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروت دست من است و امید دارم قبول کرده باشی. خداوندا! پاهایم سست است، رمق ندارد. جرئت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مونازک‌تر و از شمشیر برنده‌تر [است]؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در حرمت پا گذارده‌ام دور خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیایت در بین‌الرحمین حسین و عباست آن‌ها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن

حریم‌ها، آن‌ها را ببخشی.

خداوندا! سر من، عقل من، لب من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به سر می‌برند؛ یا ارحم‌الرحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آنچنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست. یا الله.



باید مسئله فرهنگ را با کلیتش، مسئله اول این کشور به حساب آورد. ما اگر توانستیم فرهنگ این کشور را با پایه‌های مستحکم و قویم (استوار) و نهادهای صحیحی که کارآیی لازم را داشته باشند، پشتیبانی و تقویت کنیم، کار این کشور روی غلتک خواهد افتاد و پیشروی این کشور در همه زمینه‌های مورد نظر تضمین خواهد شد. چنانچه ما فرهنگ را اصلاح و دنبال نکردیم، به احتمال زیاد برنامه‌ریزی‌های مان آبرو خواهد بود؛ یعنی مدتی تلاش می‌کنیم، زحمت می‌کشیم، اما نمی‌توانیم به نتایج قطعی آن امیدوار باشیم.

بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۹/۲۰

ایستگاه مقدس (خبر)

سردار فدوی در گفت‌وگو با دفاع‌پرس:

فعالیت‌های جبهه مقاومت گسترش می‌یابد  
جانشین فرمانده کل سپاه از گسترش فعالیت‌های جبهه مقاومت  
خبر داد و گفت: سردار شهید سلیمانی در بالاترین، زیباترین و با  
عظمت‌ترین وجه ممکن جبهه مقاومت را فرماندهی کرد.



سردار دریادار پاسدار «علی فدوی» جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار دفاعی امنیتی دفاع‌پرس، در پاسخ به این سؤال که جبهه مقاومت پس از شهادت سردار سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی چه وظیفه‌ای دارد، اظهار داشت: تکلیف‌ها از جانب خداوند مشخص می‌شود و جبهه مقاومت می‌بایست همچون گذشته به تکلیف خود عمل کند. وی ادامه داد: شهید سلیمانی این توفیق را داشت که در بالاترین، زیباترین و با عظمت‌ترین وجه ممکن، جبهه مقاومت را فرماندهی کرد. سردار فدوی گفت: روند رو به رشد جبهه مقاومت، پس از شهادت حاج قاسم نیز ادامه دارد و ان‌شاءالله عنایت‌های خداوند همچنان شامل حال جبهه مقاومت باشد. جانشین فرمانده کل سپاه عنوان کرد: فعالیت‌های جبهه مقاومت وسیع‌تر و گسترده‌تر خواهد شد.

دریا دلان

استقرار حاکمیت الهی

ذی حجر یا همان رزمنده مجاهد در راه حق و حقیقت، اراده و حاکمیت الهی را خوب می‌فهمد و این را هم خوب می‌داند که اگر طاغوت‌ها بر گوشه و کنار عالم مسلط هستند، به دلیل کوتاهی کسانی است که نام خود را مؤمن گذاشته‌اند، اما از حقیقت ایمان بی‌اطلاع هستند. کسانی که نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند که جز با حاکمیت مطلق احکام الهی بر عالم، نمی‌توان ادعای استقرار توحید کرد.

ذی حجر تشکیل حکومت الهی را از آیاتی می‌فهمد که به حاکمیت مطلق الهی بر عالم دلالت دارند (و جاء ربک والمملک صفاً صفاً) و استقرار این حکومت را از اولین جایی شروع می‌کند که در آنجا حضور دارد؛ از نفس و عالم خود، از خانواده و محله و مسجد و شهر و کشور و منطقه و نهایتاً همه عالم. ذی حجر به‌گونه‌ای زندگی نمی‌کند و چنان برنامه نمی‌ریزد و سیاست نمی‌ورزد که انگار قرار نباشد پرچم اسلام بر همه عالم به اهتزاز دربیاید. تشکیل حکومت الهی، فلسفه زندگی ذی حجر است و عنصری مهم از حیات او را تشکیل می‌دهد.

اول از شهر ایمانش حراست می‌کرد و بعد از خرمشهر؛ می‌گفت: «بچه‌ها اگر شهر سقوط کرد، دوباره آزادش می‌کنیم مراقب باشید ایمان‌تان سقوط نکند.» می‌خواست در شهر ایمانش حکومت الهی مستقر باشد.

بعد از شهادتش هم که ظاهراً محمد جهان‌آرا نبود تا ببیند شهر آزاد گشته، امامش گفت: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

بعدها که ظاهراً محمد نبود که ببیند، ولی فقیه او تصدیق کرد، که خرمشهر را ایمان آزاد می‌کند و شهرها را ایمان به استقرار حاکمیت الهی درمی‌آورد. این خداست و ایمان بندگان به او که در محل اراده او استقرار می‌یابد؛ نه سلاح و قدرت مادی، و حتی اگر عالم کفر بسیج شود برای ساقط کردن حکومت الهی، بسیجیان بی‌تجربه خمینی را صفوف ملائکه یاری می‌نمایند...





## توجه به مصلح غذایی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هرگاه پنیر و گردو با هم خورده شوند در هر یک شفای هست، ولی اگر جداگانه خورده شوند در هر یک دردی است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰

### درمان با گیاهان

#### اثرات روغن دانه کتان در درمان التهابات کلیه و دستگاه تناسلی

بیماری‌ای است مخرب، منتشر که بافت‌های کلیه‌ها را گرفتار می‌نماید. انسداد یک کلیه عفونی توسط سنگ و عوامل دیگر نیز می‌تواند منجر به عفونت در خون و ضایعه پیش‌رونده و تخریب بافت کلیه گردد. چون قسمت فوقانی انسداد، تبدیل به فضای نیمه‌بسته یا تقریباً بسته می‌گردد، لذا می‌تواند به صورت آبسه درآید. در ورم مثانه، دفع ادرار با سوزش و تیرکشیدن بسیار آزاردهنده‌ای همراه است. پیلونفریت (التهاب کلیه و لگنچه) ممکن است به عفونت‌های مکرر کلیه منجر شود و ضایعات کلیوی ایجاد نماید. ورم پروستات که معمولاً در اثر التهاب یا عفونت غده پروستات ایجاد می‌شود مشکلی است که جریان ادرار را متوقف می‌سازد و باعث جمع‌شدن ادرار در مثانه می‌گردد.

روغن دانه کتان با اثر ضد میکروبی و کاهش‌دهندگی فشار و چربی خون، موجب کاهش آسیب‌های فیلتراسیون لوله‌های کلیه می‌گردد. همچنین اثرات مطلوب و مناسبی در پروستاگلاندین‌های سیستم مجاری ادراری دارد. به دلیل اینکه دانه کتان محتوی آلفالینولینک اسید و لیگنان است، جهت درمان ضایعات لوپوس اریتماتوز سیستمیک به کار می‌رود در درمان بیماری لوپوس اریتماتوز با گرفتاری کلیه‌ها توصیه گردیده است. شرح مختصری درباره این بیماری بدین ترتیب است:

لوپوس اریتماتوز منتشر، بیماری مزمن و عمومی بافت همبند است که طیف آن از فرم خفیف تا شدید معتبر بوده با بثورات جلدی، درد مفصلی، لکوپنی، آمی، ضایعات احشایی، تظاهرات عصبی، لنف آدنوپانی، تب و سایر علائم عمومی مشخص می‌شود.

این بیماری بیشتر زنان جوان را مبتلا می‌سازد. هورمون‌های جنسی تأثیر زیادی در وقوع این بیماری دارند و ترشح زیاد استروژن یکی از عوامل مهم آن به شمار می‌آید. لوپوس تنها یک بیماری جلدی نیست و شکل‌های بالینی بسیار متنوعی دارد، مانند التهاب مفاصل، ریزش موی سر، گرفتاری یا درگیری کلیه‌ها (SLE) از جمله آن است. فیتواستروژن یا استروژن گیاهی که در دانه کتان موجود است، موجب تنظیم ترشح زیادی استروژن می‌گردد. در این باره جهت درمان این بیماری از دانه کتان با اشکال مختلف دارویی استفاده می‌شود.

عصاره تهیه شده از پوست دانه کتان روزی سه بار هر دفعه ۲۵ تا ۳۰ قطره به مدت سه هفته جهت جلوگیری و درمان التهاب پروستات ارزش زیادی دارد.

درمان بیماری‌ها با گیاه کتان، دکتر عبدالله پورعبدالله، صفحات ۹۳ و ۹۴

### درمان با نوشیدنی‌ها

نوشیدنی‌ها را به دو گروه عمده تقسیم می‌کنند؛ نوشیدنی‌های سرد و نوشیدنی‌های گرم. هر نوع نوشیدنی جایگاه خاص خود را دارد و اگر به موقع استفاده شود، نتیجه جالبی در برخواهد داشت. نوشیدنی‌ها علاوه بر اینکه نیازمندی‌های بدن را تأمین می‌کنند، بسیاری از ناراحتی‌ها و کسالت‌ها را نیز برطرف می‌سازند. در این ستون، نوشیدنی‌هایی که برای شما خواننده گرامی مفید است را معرفی کنیم. امید است با استفاده از این نوشیدنی‌ها، همواره از سلامتی و نشاط کامل برخوردار شوید.

#### شیر فندق

مواد لازم: مغز فندق خام ۵۰ گرم، عسل سه قاشق غذاخوری، آب سرد ۳ لیوان  
طرز تهیه: پوست فندق‌ها را جدا کنید و آن‌ها را به همراه آب سرد و عسل در مخلوط‌کن به طور کامل مخلوط کنید تا مخلوط کاملاً به صورت شیر درآید.

خواص: این نوشیدنی بسیار گوارا و خوش‌طعم است. مصرف دو الی سه لیوان در روز برای پایین‌آوردن فشار خون و رفع ناراحتی‌های گوارشی بسیار مفید و مؤثر واقع می‌شود. این شیر برای افرادی که از فشار خون بالا رنج می‌برند بسیار مفید است.

#### دم‌کرده کاکوتی

مواد لازم: کاکوتی ۳ قاشق غذاخوری، عسل ۲ قاشق مرباخوری در هر لیوان، آب جوش ۴ لیوان  
طرز تهیه: کاکوتی را به همراه آب جوش در قوری چینی بریزید و آن را به مدت سی دقیقه روی حرارت ملایم دم کنید. سپس دم‌کرده را در یک لیوان و یا فنجان بزرگ بریزید، عسل را بیفزایید و هم بزنید تا کاملاً حل شود و به آرامی آن را میل کنید.

خواص: این نوشیدنی بسیار خوش‌طعم، برای رفع خستگی مناسب بوده و ضدعفونی‌کننده خوبی نیز محسوب می‌شود.

تغذیه در طب ایرانی اسلامی، دکتر غلامرضا کردافشاری و ...، صفحات ۱۸۳ و ۱۹۰





حضرت فاطمه علیها السلام:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه بار فرمود: خدایا! جانشینان مرا رحمت کن. عرض شد: [ای رسول خدا!] جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: آن‌ها که بعد از من می‌آیند و احادیث و سنت مرا روایت می‌کنند و پس از من، آن‌ها را به مردم آموزش می‌دهند.

محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۱۸

## قدرشناسی از همسر مقاوم

آن‌ها را در راه خدا صرف کرد. او اینک حتی یک قطعه زر و زیور و حتی یک انگشتر معمولی هم ندارد.

به یاد دارم از جمله مواردی که زیورآلات خود را فروخت، زمانی بود که سالی در مشهد زمستان نزدیک شد و سرما شدت یافت و مردم برای گرم کردن خانه‌های خود، به خرید مواد سوختی - که در آن زمان ذغال بود- روی آوردند. در چنین مواقعی، تعدادی از مؤمنین به من مراجعه می‌کردند و پولی در اختیار من می‌گذاشتند تا با آن ذغال بخرم و بین نیازمندان توزیع کنم. معمولاً ذغال را از ذغال‌فروشی می‌خریدم، بعد به کسانی که نیاز داشتند، حواله می‌دادم تا ذغال را از ذغال‌فروشی بگیرند.

در آن سال، پولدارها به من مراجعه نکردند، بلکه فقرایی مراجعه کردند که معمولاً در چنین ایامی، برای گرفتن ذغال، در خانه علمای می‌زندان.

اما آن سال این افراد از خانه من ناامید بازمی‌گشتند و این امر مرا بسیار اندوهگین می‌ساخت.

همسر که این حال را دید، به من پیشنهاد کرد دستبندی را که برادرش به مناسبت تولد یکی از فرزندان به او هدیه کرده بود، بفروشم. من مخالفت کردم، ولی او اصرار ورزید. دستبند را گرفتم و خواستم آن را به قیمت هرچه بیشتر بفروشم. معمولاً زرگرها طلا را براساس وزن می‌خرند و دستمزد ساخت آن را حساب نمی‌کنند. اتفاقاً یکی از همسایگان و دوستان به خانه ما آمد. من جریان را برایش تعریف کردم تا تشویق شود که دستبند را به قیمت هرچه بیشتر بفروشد. او رفت و آن را به هزار و چند صد تومان فروخت و گفت: من هم به اندازه همین پول روی آن می‌گذارم. لذا مبلغ خوبی فراهم شد و با آن ذغال خریدم و نگرانی همسر هم برطرف گردید.

این رهایی از قید و بند زوائد زندگی، بیشترین تأثیر را در زندگی من داشته. همین زوائد بیرون از حدّ ضرورت است که انسان را به بردگی می‌کشاند.

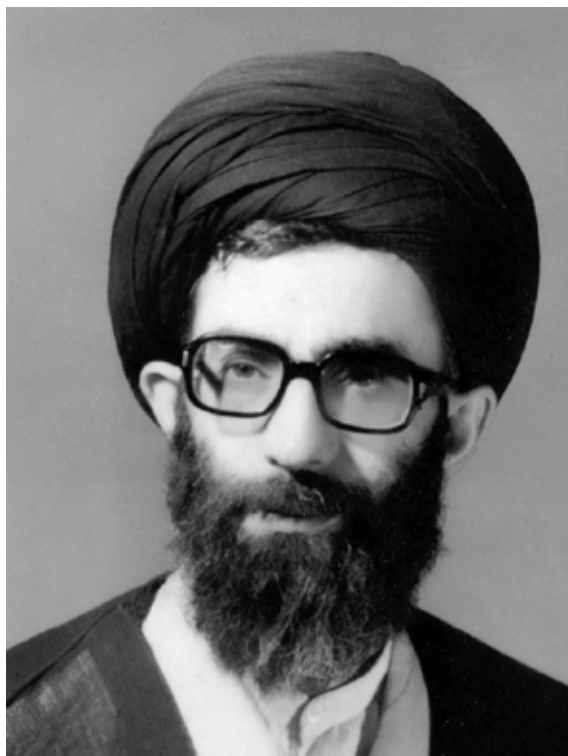
از باب حق‌گزاری باید کمی هم شده، به نقشی که همسر در زندگی من داشته اشاره کنم.

ایشان -قبل از هر چیز- از یک طمأنینه و آرامش و روحیه قوی برخوردار است؛ لذا با آنکه خانه ما بارها مورد یورش دژخیمان واقع شد و با آنکه من بارها در برابر او بازداشت شدم و حتی در نیمه‌شب که برای دستگیری من به خانه ما ریختند، مورد ضرب و جرح واقع شدم. علی‌رغم همه این‌ها، هیچ‌گاه ترسی یا ضعفی یا افسردگی و ملالتی در او مشاهده نکردم. با روحیه‌ای عالی و قوی در زندان به ملاقات من می‌آمد. در این ملاقات‌ها، به من اعتماد و اطمینان می‌داد. هرگز نشد وقتی من در زندان بودم، خبر ناراحت‌کننده‌ای به من بدهد. به یاد ندارم که مثلاً خبر بیماری یکی از فرزندان را به من داده باشد؛ یا مطلبی را که برایم ناخوشایند باشد، درباره خانواده و بستگان و والدین گفته باشد. همچنین باید به صبر و شکیبایی فراوان او در تحمل سختی و مشقت زندگی در دوران پیش از انقلاب و اصرار او بر ساده‌زیستی در دوران پس از انقلاب، اشاره کنم.

بحمدلله خانه ما همواره تاکنون، از زوائد زندگی و زرق و برق‌های دنیوی -که حتی در خانه‌های معمولی مردم یافت می‌شود- به دور مانده است و همسر در این امر، بالاترین سهم و مهم‌ترین نقش را داشته است. درست است که من زندگی‌ام را به همین شکل آغاز کردم و همسر را نیز در این مسیر هدایت کردم و این روحیه را در او زنده کردم، اما صادقانه می‌گویم که او در این زمینه، بسیار از من پیشی گرفته است.

من درباره زهد و پارسایی این بانوی صالحه، تصویرهای بسیاری در ذهن خود دارم که بیان برخی از آن‌ها خوب نیست. از جمله مواردی که می‌توانم بگویم، این است که هرگز از من درخواست خرید لباس نکرده است، بلکه نیاز خیلی ضروری خانواده به لباس را به من یادآور می‌شد و خود می‌رفت و می‌خرید.

هیچ‌وقت برای خود زیورآلات نخرید. مقداری زیورآلات داشت که از خانه پدری آورده بود و یا هدیه برخی بستگان بود. همه آن‌ها را فروخت و پول



## ضرورت رازداری و کنترل زبان

و درود خدا بر او فرمود: سخن در بند توست، تا آن را نگه نگفته باشی، و چون گفتم، تو در بند آن هستی، پس زبانت را نگهدار چنان که طلا و نقره خود را نگه می‌داری، زیرا چه بسا سخنی که نعمتی را طرد یا نعمتی را جلب کرد.

حکمت ۳۸۱

## «امامت» یعنی پیروی

تفاوتی میان ما و دیگران نیست. بنابراین باید بدانیم خط مشی علی چگونه بوده است؛ رفتار او چگونه بوده؛ چگونه صحبت می‌کرده؛ عملکرد او چگونه بوده است. اگر مانند علی عمل کنیم و مانند او رفتار کنیم و مانند او سخن بگوییم، از پیروان او خواهیم بود و در غیر این صورت سخن ما درباره پیروی از امام ادعایی بیش نیست

منبع: امام موسی صدر، انسان آسمان، ص ۱۷۰

همان‌طور که می‌دانید، ما علی را «امام» می‌نامیم. این مشهورترین نام و یا صفت اوست. معنای کلمه «امام» چیست و چگونه می‌توان به حقیقت آن پی برد؟ امام را از آن جهت «امام» گفته‌اند که به امور مأمومان اهتمام دارد و آنان را رهبری می‌کند. امامت علی یعنی پیروی ما از ایشان. زمانی امامت علی برای ما محقق است که به ایشان اقتدا کنیم. در غیر این صورت، علی امام ما نیست. علی در صورتی امام ماست که از او پیروی کنیم، وگرنه

## عید مبعث؛ واسطه رحمت الهی

و برخی به غیر خدا اشاره می‌کردند. پس خدای سبحان، مردم را به وسیله محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله از گمراهی نجات داد و هدایت کرد و از جهالت‌های بخشید. سپس دیدار خود را برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برگزید و آنچه نزد خود داشت برای او پسندید و او را با کوچ‌دادن از دنیا گرمی داشت و از گرفتاری‌ها و مشکلات‌های بخشید و کریمانه قبض روح کرد.»

اعتقاد ما در مورد ایشان این است که هرکس عاشق و زائر و هواخواه کوی آن‌ها باشد، نوشیدنی‌ای به او می‌دهید تا سبک و راحت شده به پرواز درآید و اسیر ماده و مادیات نگردد.

حضرت در خطبه ۱۰۶؛ درباره‌ی آوردن بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «مردم از سر نعمت بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و لطف خداوند بزرگ به مقامی رسیده‌اید که حتی کنیزان شما را گرمی می‌دارند و به همسایگان شما محبت می‌کنند. کسانی برای شما احترام قائلند که شما از آن‌ها برتری نداشته و بر آن‌ها حقی ندارید؛ کسانی از شما می‌ترسند که نه ترس از حکومت شما دارند و نه شما بر آن‌ها حکومتی دارید.»

بنابراین با توسل به درگاه حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت ایشان، خواستار توجه ویژه در این اعیاد بسیار مبارک هستیم تا ما را به مسیری که شایسته بندگی است رهنمون سازند.



حضرات معصومین به اذن خداوند سبحان واسطه فیض الهی در عالم هستی و هادی افراد به سوی مسبب‌الاسباب می‌باشند و با وساطت ایشان موانع دریافت فیوضات الهی مرتفع می‌گردد. در این میان به واسطه اعیادی خاص مثل میلاد این حضرات و بالاخص مبعث حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فیض الهی به سوی عالم دنیا سرازیر می‌شود. حضرات معصومین خانه‌ای دو در هستند. از یک در ابتدا تمام رحمت و خیرات و برکات از جانب خدای سبحان بر ایشان نازل می‌شود و سپس از در دیگر به همه عالم صادر می‌شود. هر خیر و کمال و رشدی که به مردم می‌رسد از ناحیه آن‌هاست و به دست آن‌ها موانع و مشکلات رفع می‌شود تا به کمالات و خیرات برسند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره بعثت پیامبر در خطبه اول نهج‌البلاغه می‌فرماید: «خدای سبحان برای وفای به وعده خود و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را مبعوث کرد؛ پیامبری که از همه پیامبران پیمان پذیرش نبوت او را گرفته بود، نشانه‌های او شهرت داشت و تولدش بر همه مبارک بود. در روزگاری که مردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خواسته‌های گوناگون و روش‌های متفاوت بودند؛ عده‌ای خدا را به پدیده‌ها تشبیه کرده و گروهی نام‌های ارزشمند خدا را انکار و به بت‌ها نسبت می‌دادند



مصباح المتهجد به نقل از مقاتل بن مقاتل ابوالحسن رضا علیه السلام فرمود:

«در دعای قنوت نماز جمعه چه می‌گویید؟» گفتم: آنچه بقیه مردم می‌گویند. فرمود: «تو چون آنان مگو؛ بلکه بگو: بار خدایا! بنده و خلیفه‌ات امام زمان علیه السلام را به سلامت و محفوظ دار، بدانچه پیامبران و فرستادگانت را به سلامت و محفوظ داشتی. و با فرشتگانت او را در میان گیر و با روح القدس خود، تقویتش فرما، و پیش رو و پشت سرش مراقبانی بگمار که او را از هر گزند حفظ کنند، و ترس او را به امنیت مبدل گردان، تا تو را بپرستد و چیزی را شریکت نگرداند، و برای هیچ يك از خلقت بر ولی خود، سلطه‌ای قرار مده، و به او اجازه جهاد با آنان - که دشمن تو و او هستند - عطا فرما، و مرا از یاران او قرار ده. همانا تو بر هر کاری توانایی.»

محمد محمدی ری شهری، حکمت‌نامه رضوی، ج ۳، ص ۵۶

### ختم کلام

## قاصدک بگو...

اوج (ل.ز)

در گوشش گفتم؛  
از تألم مادر شهیدی که  
نم چشمانش را با گوشه چادرش  
می‌سترد  
او دلش به درد آمده بود از این همه  
بی‌مبالاتی  
آخر وقتی پاره‌تنش را راهی می‌کرد  
برای دفاع از ناموس کشورش بود  
اما این روزها بدحجابی برخی از زنان و  
دختران شهرش  
دلش را بد آتش می‌زند  
در گوشش گفتم؛  
از بی‌تابی کودکی که از دوری پدرش  
شب‌ها با قاب عکسش رؤیا می‌بافد  
و از همسری که طفلان یادگارش را یگه  
و تنها به دامن گرفته  
و شب و روز با خاطرات سفرکرده‌اش  
بغض در گلو می‌شکند  
قاصدک!  
برسان پیغامم را...  
به مولایم، به امام عصرم، به آقا امام  
زمانم سلام برسان و بگو:  
آقا جان دعا کنید شرمنده شهدا  
نشویم...  
بگو دعا کنند برای صبر و شکیبایی  
خانواده‌های معزز شهدا

## باید مردم به سمت امام زمان‌شان حرکت کنند

علیه السلام بازگردند.  
در اینجا فرض کنید امام زمان، یوسف است.  
فرض کنید امتی که عاشق امام هستند،  
هزار سال گریه کرده‌اند و حال می‌خواهند  
چشمان‌شان بینا شود و سراغ امام زمان‌شان  
بروند، یعقوب هستند. خوب، امام زمان  
عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف چه کار می‌کند؟  
امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پیراهنی  
را پس از هزار سال برای امت مسلمان  
فرستاد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه همان  
پیراهن امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف  
بود که به چشم هر که افتاد، بینا شد.  
وقتی امت بینا شدند، به سمت امام زمان  
عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حرکت کردند.  
آیا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به  
سمت مردم آمد یا مردم به سمت آن حضرت  
رفتند؟ مردم رفتند. اما مردم چگونه می‌روند؟  
اول بصیر می‌شوند، بعد می‌روند. این پیراهن  
روی چشم‌های‌شان می‌افتد و بینا می‌شوند و  
به سمت امام زمان خودشان می‌روند. محبت  
یعنی همین.

آیت‌الله حائری شیرازی، حکومت جهانی خدا، صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴

بچه‌های شما وقتی به جبهه می‌رفتند، چه  
جاذبه‌ای آن‌ها را به سمت جبهه می‌کشید؟ چه  
اتفاقی افتاد که در صد سال پیش یک شهید  
نداشتیم، حالا سیصد هزار شهید داریم؟ هزار  
سال شهرهای مان بدون شهید بود. حالا به  
بهشت زهرای خودتان نگاه کنید!  
بر اثر محبت بود که این‌ها اتفاق افتاد. این‌ها  
عاشق امام شدند. وقتی حضرت امام می‌گفت  
«به جبهه بروید»، مردم سر از پا نمی‌شناختند؛  
مجدوب امام شده بودند. ممکن است پرسید  
فرق امام با مراجع تقلید قبل از خودش چه بود؟  
چطور جاذبه‌ای که در امام بود، در بقیه نبود؟  
مسئله این است؛ یعقوب علیه السلام از دوری  
یوسف علیه السلام کور شده بود. از بس غصه  
خورده بود و گریه کرده بود، چشمانش سفید  
شده بود و هیچ چیز را نمی‌دید. سال‌ها بعد  
یوسف علیه السلام عزیز مصر شده بود و  
می‌خواست که پدرش به مصر بیاید. یعقوب  
علیه السلام با این چشم نابینا که نمی‌توانست  
به سمت مصر یوسف برود. یوسف چه کار  
کرد؟ لباس و پیراهنش را به برادرانش داد که  
به پدر بدهند و بعد دسته‌جمعی پیش یوسف





# سفرارش رهبر برای دفع بلاها

متن عربی و ترجمه دعای هفتم صحیفه سجادیه سفارش شده توسط رهبر معظم انقلاب برای دفع بلا و ویروس کرونا :

## متن عربی :

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مِهُمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مَلِئَةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ:

(۱) يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجَ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ.

(۲) ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابَ، وَ تَسَبَّبَتْ بِطُفُفِكَ الْأَسْبَابَ، وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ.

(۳) فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤَمَّرَةٌ، وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجَرَةٌ.

(۴) أَنْتَ الْمُدْعُوُّ لِلْمُهْمِمَاتِ، وَ أَنْتَ الْمُمْرَعُ فِي الْمُلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ.

(۵) وَ قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ، وَ أَلَمَ بِي مَا قَدْ بَهَطَنِي حَمْلُهُ.

(۶) وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَ سُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ.

(۷) فَلَا مُصَدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَ لَا مُبَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ.

(۸) فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ أُنَلِّنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكُوْتُ، وَ أَذْفِنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجًا هَنِيئًا، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَجِيبًا.

(۹) وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ.

(۱۰) فَقَدْ ضِفْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعًا، وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ كَشَفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفَعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

## ترجمه :

دعای او هنگامی که برایش مهمی دست می داد یا رنجی فرود می آمد:

(۱) ای کسی که گره هر سختی به دست تو گشوده شود و ای که تندی شدائد به عنایت می شکند، ای که راه بیرون شدن از تنگی و رفتن به سوی آسایش از تو خواسته شود،

(۲) دشواریها به لطف تو آسان گردد و وسایل زندگی و اسباب حیات به رحمت تو فراهم آید و قضا به قدرتت جریان گیرد و همه چیز به اراده تو روان شود،

(۳) تنها به خواست تو بی آنکه فرمان دهی، همه چیز فرمان برد، و هر چیز محض ارادهات بی آنکه نهی کنی از کار بایستد،

(۴) در تمام دشواریها تو را می خوانند و در بلیات و گرفتاریها به تو پناه جویند، غیر از بلایی که تو دفع کنی بلایی برطرف نگردد و گرهی نگشاید مگر تواس بگشایی،

(۵) الهی بلایی بر من فرود آمده که سختی و ثقل آن مرا در هم شکسته و گرفتاریهایی بر من حمله ور شده که تحملش برای من دشوار است (۶) و آن را تو از باب قدرتت بر من وارد کرده ای و به اقتدار خود متوجه من نموده ای،

(۷) اله من، چیزی را که تو آورده ای کسی نبرد و آنچه تو فرستاده ای دیگری باز نگرداند و بسته تو را کسی نگشاید و چیزی را که تو بگشایی دیگری نبندد و آنچه را تو دشوار نموده ای کسی آسان نکند و آن را که تو ذلیل کرده ای یآوری نباشد،

(۸) پس بر محمد و آلش درود فرست و به رحمتت الهی - در آسایش را به رویم باز کن و به قدرتت صولت سلطان غم را در میدان حیات من بشکن و مرا در موردی که از آن شکوه دارم به عنایت و احسانت کامیاب کن و به

درخواست من شیرینی اجابت بچشان و از سوی خودت رحمت و گشایشی دلخواه نصیبم فرما و برایم نجات و خلاصی سریع از گرفتاریها مقرر کن (۹) و مرا به خاطر چیرگی غم از رعایت واجبات و به کار بستن مستحبات خود باز مدار؛

(۱۰) چرا که من به سبب آنچه

به سرم آمده بی تاب و توان شده،

و قلبم از تحمل آنچه در زندگیم

رخ نموده، لبریز از اندوه گشته و

تو به رفع گرفتاریهایم و

دفع آنچه در آن در

افتاده ام توانایی

پس قدرتت را

درباره من

به کار بر،

گرچه از

جانب تو

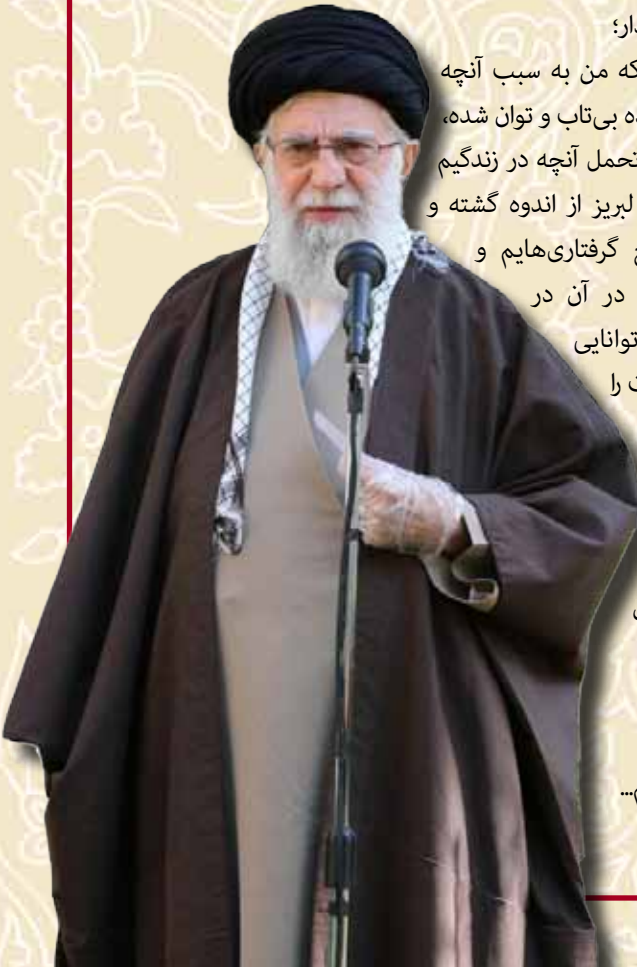
مستحق آن

نیستم

ای

صاحب

عرش عظیم...



**سردبیر:** سرکار خانم زهرا بادی  
**دبیر تحریریه:** فخری مرجانی  
واحد پژوهش موسسه فرهنگی-قرآن و عترت اسوه تهران  
**بهای هر شماره:** ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی(ع)

**نشانی:** تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین تر از چهار راه لشگر- روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶  
شماره تماس: ۰۲۵-۵۵۴۸۲۰۲۵

راه های ارتباطی با موسسه فرهنگی-قرآن و عترت اسوه تهران  
**کانال تلگرام:** osveh\_org  
**پایگاه اینترنتی:** www.osveh.org  
**سایت انگلیسی:** www.toplife4you.com  
**آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه:** osveh\_org  
**آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز:** chashni\_zoodpaz